

تعیین تکلیف وزارت خوار با

وچگونگی وظائف دوائری وزارتخانه

چهاردهمین آئین نخلت تیت فیشتا دیروز از طرف ویس کل دارا
وامع یاجین تکلیف وزارت خوادیلو و چگونگی وظائف دوائر آن روزانه
عذر و شرح زیر برای اجرا ابلاغ گردید
مقرر شد یکشنبه کلیه وزارت
خوادیلو تحت کنترل ایجاب قرار گرفت
و در وقت بابا اجاره آن غسست که
متوج است .

وہرو اخبارانی کہ ہوجہ قانون ۱۲

دریغیت ۱۲۲۹ ساجدها سلاطه اردوب
 طراوت زینت عجب میگردد
 ۱ - سبج این آینه نغمه مست
 نام گشت - این نامی سبج گشت
 که میده از صبح آوری غله دار
 کزین اهر و اوکیا به توجع نین وارد
 شواهد بود
 سبج این آینه نغمه سبج زهر بود
 غلام سبج سبج بود
 ۲ - گشت غله و نخل ادارات
 زهر غله بود

دانش کل دولتی برسد .

۸ - نسبت به خان مهندس
آورد و برده داران بر سرده تا نور
بخرد در برادر آزاد برای آنها
پسند . دستورات دادگاه ای مخرج
یکانه در طرف نسبت به خان
توانده شد .

اداره غله
اداره نان نهران
اداره جابلو
اداره دولتی مرکزی نهران
اداره برنج
اداره مسجدهای
اداره کارمندان و کارگران
غله - برنج - نان - برنج - نان

[illegible]

مکاتبات را همراهِ از طرف خدمت و
و بان اهداء ستاینه
دین کل دارائی
و دین کل خدمت و شن و مملوک او
و دین هر پست از اقاربات تابع
خدمت کل دارد از طرف اداره خود
امضاء سابع -

که احتمال مغرور به پرداخت با
انتقال دوره به سایر مغرور به دریافت
میلاردی و یکی از صاحب زمین
نویسنده که شامل وصال ادارات
منت شده در پیوسته دارد که
۶ - نه بهمن شاهبازی اکون
شس جداگانه وزارت هواپیمای و خود

تصور: ولی کل دارایی متفکر کرده
 بقیه هر کس که اعتبار قانونی شناخته
 شده باشد باقی بماند
 ۱۲ - اداره نفوذ اجرای قانون
 متفکر: کلیه دارایی و اشیاء و اموال
 دیگر بمانند اعتبار متفکر این است
 ذکر کرده: اعتبار نسبت به اموال و سایر
 دارایی متفکر شده باشد باقی بماند
 ۱۳ - اداره نفوذ اجرای قانون
 متفکر: کلیه دارایی و اشیاء و اموال
 دیگر بمانند اعتبار متفکر این است
 ذکر کرده: اعتبار نسبت به اموال و سایر
 دارایی متفکر شده باشد باقی بماند

خست غلام و تخت او را محسنت فرار خواهم داشت -
 ۴ - سوچ این آیین گاه هم و چهره او را منحصراً دولت افلا می کرده و فروروز غلات بفرید چهره است

پایان و در این باره در موردی دادلی شیر ها و شایسته در وزارت خوار بر سابق تخت او را و گاهی کن است ثبت بدین فرار میگیرد

ولیس کل داداللی

در محرم رد نوی گوش بود (اصول) (نسخه) که گنبد بود دادلی

بشکر هم از چشمتان من بسلامتی من ... حتی خودم درو سگی هم قدر بر آبگیر
از دستش گزار که با غشیش نباید بود ...

عمران سوار آتشکوبچول و کربکرفت و اولی و من بشکر هم آبگیر باقی اخلان
و رفیق و امر خود باطلور ... درو نیست مرتبه که باید خودم معادله کنم و
امدای خودم را بر داشت و زدند و با بگیریم

بعضی اولیای دیندار که از این نوع آبگیر پاید هری را منقطع
کن و بگذارم سبزی را با صف ... نه که

آدم های در مردمان ز سوزی بسته - هر که امستان نیا با هر س گلوز
میست و از او دران فرامند گریخت .
آتین با فروش بعضی استاع این کلمات یاد آتین ی بشم اولودنود و
و شونی که گبریل بطریق با او کردیم بود افتد و سوال کرد :
- آفانجان حق نیتان که الصداقه خوب است .
گبریل بطریق جواب داد :
- خوب مرزا و شما فاد و صحت دهنه از او : حله بد گشت .

مرکب با شرافتی بیخشی گشت
 دو اینوعل گیریز پورچ از ادویه با فنووز کرد و گشت
 با اینان هم فاتح مبارزه هسته ، عرض توهم انتظام گرفت ، بخت هست
 آتوز پاترنیچ بشت گوی و از خواراد و گشت
 چادور بشوره پدم باده ، شیلی هم پلام است خوب خرمة مرد ؛
 جیف ، راستی جیف
 پلمو مشکله یوز پلمو متکل بود ، چنین خرشی دیگر پیدا پیدا لایق شد

خوب چرا مسجد ائمتن واجتلا وسایمت